

راه

فوق العاده

شماره «۱۴»

توده

۲۳ خرداد ۱۳۷۴

محاصره اقتصادی ایران توسط امریکا، یک توطئه دو طرفه برای حفظ حکومت موجود است!

# توطئه های جدید در ایران شکل می گیرد!

مطبوعات غیر دولتی در خطرند!  
طرح کودتای "اندوژی" در ایران پیاده شدنی است!

ج.ا. بخش شد، باید مضمون برخی از همان نکات منتشر نشده ای باشد، که با خبرنگار آئی.بی.سی مطرح شده است.

رفسنجانی دربارہ محدودیت های اعلام شده اخیر برای واردات و صادرات کشور و کنترل بازار ارز، که با برنامه های اقتصاد بازار بانک جهانی و صندوق بین المللی پول هماهنگ نیست، گفت، که این محدودیت ها هیچ رابطه ای با نظرات مخالفان برنامه تعدیل اقتصادی ندارد. او در واقع درباره برنامه تعدیل اقتصادی و تغییر ناپذیر بودن روند اجرای آن گفت، که تصمیمات جدید مکمل همان برنامه تعدیل است و مخالفان دولت نباید تصور کنند، ما در میانه راه متوقف مانده ایم! رفسنجانی در پاسخ به مخالفان مذهبی برنامه های دولت خود، که اکنون معتقدند و می نویسند، که برنامه تعدیل شکست خورده و دولت ناچار است همان سیاست اقتصادی را برگزیند، که دولت "میرحسین موسوی" اجرا می کرد، با لحنی اخطار آمیز، گفت: عده ای کم اطلاع و سطحی، که قلم در دست دارند، در مطبوعات مدعی می شوند، که برنامه تعدیل شکست خورده است!

بدین ترتیب او به نگرانی مهم امریکا درباره شکست برنامه های دولت و احتمال تغییرات مهم در ترکیب دولت و سیاست های آن پاسخ داد و متعهد شد:

۱- تعهد به پیگیری برنامه تعدیل اقتصادی؛

۲- مقابله با مخالفان این برنامه از طریق محدود کردن آزادی آنها؛

۳- کم اهمیت و موقت بودن تصمیم اخیر دولت در کنترل ارز و صادرات و واردات کشور.

از آنجا که مهمترین رویدادهای سیاسی-اقتصادی کشور، مذاکرات، تفاهم ها و حتی تفاوت نظرهای جناح های متحد در حکومت، بصورت سنتی در پشت صحنه اتفاق می افتد و در حد زدوبند و معامله انجام می شود و تلاش برای بستن روزنه های خبری بی وقته در ج.ا. ادامه دارد (از جمله دلتاسل، اوج گیری شایعات در جامعه) بقیه نقطه نظرات ریاست جمهوری در جریان اعلام محاصره اقتصادی و حضور خبرنگاران امریکانی در ایران را نباید در مصاحبه ها و سخنرانی های دیگر وی و یا اظهارات مقامات دیگر جمهوری اسلامی درباره وی، جستجو کرد!

در جمع هیات های خبری، که به ایران سرازیر شد، یک هیات نیز از روسیه وجود داشت. این تیم خبری نیز با "هاشمی رفسنجانی" مصاحبه کرد. از میان مجموعه مطالب تکراری، که گروه خبری روسیه نیز آنها را مانند دیگر خبرنگاران خارجی از ایران مخابره کرد، یک نکته قابل توجه وجود دارد، که نباید آنرا از نظر دور داشت. خبرنگار از روابط و اختلافات ایران و امریکا سؤال کرد و رئیس جمهور اسلامی نیز، که می داند روسیه امروز در سیاست خارجی خود اغلب نقش پل ارتباطی و پیام آوری و پیغام بری برای امریکا را ایفاء می کند، گفت: ما هیچ موضوع غیرقابل مذاکره ای با امریکا نداریم!

در پی فشار تبلیغاتی عظیم امریکا مبنی بر محاصره کامل اقتصادی ایران، که نجات برنامه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول (تحت عنوان "برنامه تعدیل اقتصادی")، مجبوعه کردن بازهم بیشتر فعالیت های سیاسی-مطبوعاتی مخالفان این برنامه -تا مرز سرکوب خونین همه مخالفان آن-، همسویی جمهوری اسلامی با سیاست های جهانی و بویژه منطقه ای امریکا و سرانجام پذیرش حضور نواستعماری امریکا در کشور از اهداف آن پیچسوب می شوند، یک سلسله حوادث مهم در ایران روی داده است و بنا در حال وقوع است. ما همه میهن دوستان را به پیگیری دقیق این رویدادها و توجه به چرایی و چگونگی آنها، که پیوند ناگسستنی با آینده و سرنوشت ایران دارد، فرا می خوانیم.

\* سفر به ظاهر ناگهانی ده ها خبرنگار و گزارش نویس شبکه های بزرگ خبری امریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان به ایران، که در میان آنها معروف ترین گزارش نویسان و خبرنگاران امریکانی حضور داشتند (این افراد معمولاً در تمام سفرها و مصاحبه های مقامات بلند پایه امریکا و از جمله رئیس جمهور این کشور، حضور دارند و در واقع نقش مشاور خبری و اطلاعاتی را ایفاء می کنند)؛

\* تشکیل جلسات غیرعلنی در مجلس شورای اسلامی، که حتی برخی از نمایندگان مجلس نیز به بهانه های گوناگون (از جمله ماموریت، سفر و بیماری) در آن حضور نداشته اند؛

\* آغاز مذاکرات با عراق، در سطح بلند پایگان سیاست خارجه ایران و عراق، بمنظور برقراری ارتباط کامل سیاسی بین دو کشور.

در متن هر یک از این رویدادها، ده ها خبر و حادثه در ایران و در طی این مدت نسبتاً کوتاه، شکل گرفته است، که بدون توجه به آنها، نمی توان تصویری نزدیک به واقعیات کنونی جامعه ایران بدست آورد و بر روند رویدادها تاثیر گذاشت.

## حضور خبرنگاران

بالفاصله پس از اعلام نظر رئیس جمهور امریکا برای تحریم کامل اقتصادی ایران، سرشناس ترین گزارشگران شبکه های تلویزیونی امریکا راهتی تهران شدند. اعزام این تیم های خبری-گزارشی، که سفرای سیار امریکا محسوب می شوند، چنان با سرعت انجام شد، که گویی از پیش تمام مراحل تدارکاتی آن -از جمله ویزای سفر به ایراد و وقت ملاقات و مصاحبه با مقامات جمهوری اسلامی- پیش بینی شده بود.

گزارشگر تلویزیونی آئی.بی.سی امریکا نخستین خبرنگاری بود، که پدنبال اعلام نظر رئیس جمهور امریکا برای محاصره اقتصادی ایران، در تهران با "هاشمی رفسنجانی" مصاحبه کرد. تمامی جزئیات این مصاحبه هنوز در هیچ نشریه داخلی کشور منتشر نشده است، اما اظهارات "هاشمی رفسنجانی" در خطبه های نماز جمعه ای، که پس از این مصاحبه ایران شد (۵ خرداد) و از رادیو

### جلسات محرمانه

برخلاف همه تبلیغاتی، که جهان سرمایه داری پیرامون دفاع از آزادی و حقوق بشر راه انداخته است، در ایران و در تماس با مقامات ایرانی، آنها خواست دیگری را عنوان می کنند و حمایت از جمهوری اسلامی و دولت کنونی آنها در گرو اجرای این خواست مطرح می کنند. اینکه کدام یک از دو جناح متحد در دولت کنونی سهم بیشتری از این تعهد را می پذیرد و برای اجرای آن اعلام آمادگی می کند، اهمیت دارد، اما اهمیت بیشتر از آن "درک" این سیاست جهان سرمایه داری، امپریالیسم آمریکا و سرمایه جهانی است، زیرا با درک این سیاست، آنوقت یافتن متحدان آمریکا در مجموع دولت جمهوری اسلامی و جبهه آرائی در برابر آن آسان تر می شود.

تمام هیاهو و جنجال اپوزیسیون راست در خارج از کشور، دستگاه های خبری وابسته به جهان سرمایه داری و رادیوهای فارسی زبان مستقر در کشورهای متروپل، بعنوان اهرم بیرونی، و ارتجاع مذهبی، روحانیت متحد بازار و غارتگران اجتماعی، تکنوکرات های دولتی و ... بعنوان اهرم داخلی، می کوشند، تا این چهره واقعی سیاست امپریالیسم و متحدان بالقوه و بالفعل آن در داخل کشور (سرمایه داری تجاری وابسته، تکنوکرات های دولتی و روحانیون سنتی)، تا پایان طرح برجیدن باقی مانده آزادی های موجود در ایران، پنهان بماند!

به همین جهت باید تمام کوشش را بکار گرفت، تا نشانه های این سیاست عام را در تحولات جاری کشور و یا رویدادهای جهانی پیدا کرد و با آن به مقابله برخاست. در غیر این صورت، همه ملیون، میهن دوستان، مذهبیون، آرمان خواهان، دگراندیشان انقلابی، متفکران جامعه، حتی افراد دارای حسن نیت، اما مرعوب قدرت حکومت در ارگان های سیاسی-نظامی آن و ... که در برابر حکومت راست گویان در جبهه ای پراکنده قرار گرفته اند، زمانی چشم به روی واقعیات خواهند گشود، که دیگر آب رفته را به آسانی نمی توان به جوی بازگرداند! ما از اینکه نشانه های شناخت دقیق این سیاست توطئه آمیز در میان برخی نیروهای مذهبی پیرامونی و مخالفان سیاست های اقتصادی-سیاسی حکومت در داخل کشور روز به روز آشکارتر می شود، بسهم خود بسیار خرسندیم.

گام های شوم در جهت اجرای این سیاست امپریالیسم در داخل کشور، چگونه و توسط کدام جریانات برداشته می شود؟ آیا نشانه های همسوئی با آمریکا و حتی اسرائیل، فقط در گشایش سفارتخانه های آنها در تهران باید علامت گذاری شود؟ اصولاً قبول و اجرای سیاست های آمریکا توسط حکومت، لزوماً تا مرحله لزوم اعلام عملی آن، باید بصورت آشکار انجام شود؟ دو حکومت ایران و آمریکا، در شرایطی که ایران در آن قرار دارد و تمرکز کامل قدرت در دست نیروهای راستگرا هنوز مورد رضایت امپریالیسم نیست و بریدن زبان ها و شکستن قلم ها باید زمینه آنها فراهم سازد، نیازی به مناسبات رسمی و آشکار دارند؟ زدویند پنهانی در شرایط کنونی و بازی های دو طرفه (چماق و شیرینی) بهترین روش برای تقویت دوستداران آمریکا در حکومت ایران، مجریان برنامه های اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، طرفداران اقتصاد انجام گسیخته بازار و ... نیست؟

ببینیم در جهت این سیاست عمومی و استراتژیک آمریکا در ایران کدام فعل و انفعالات تاکتیکی توسط مجموعه حکومت و بدور از چشم و گوش میهن دوستان، ملیون، آرمان گرایان مذهبی و ... در نبود احزاب سیاسی در صحنه تحولات، انجام می شود.

ببینیم اپوزیسیون حکومت (بویژه در مهاجرت) تا چه حد و حدود از واقعیات بدور مانده است و چگونه در اطراف آتش تبلیغاتی راست مهاجر و امپریالیسم جهانی، تحت عنوان "حکومت آخوندی"، ولایت فقیه، "سرنوینی جمهوری اسلامی و ...، که گویا همین روزها و بر اثر تصمیم قطعی (!) جهان سرمایه داری عملی خواهد شد، دست های سرد خود را گرم می کند و پیاپی اطلاعاتیه و اعلامیه هایشان از رادیو اسرائیل پخش می شود! در حالیکه این اپوزیسیون سر در یقه فرو برده و بی توجه به حقایق جامعه، دست ها را با آتش تبلیغاتی امپریالیسم و حتی "حکومت اسلامی" گرم می کند، آنها، بویژه امپریالیسم آمریکا و حکومت، در ارتباطی تنگاتنگ پایه های قدرت خود را برای ضربه نهایی به آزادیخواهان و میهن دوستان در ایران، محکم می کنند. ببینیم چگونه این غفلت تاریخی، همین جمهوری اسلامی، همین ولایت فقیه، همین ارتجاع سیاسی-مذهبی-اقتصادی و همین حکومت باصطلاح آخوندی را زیر پرچم آمریکا و دیگر قدرت های امپریالیستی تثبیت می کند!

برای ما فرق نمی کند، که ابتکار عمل در دست دولت تکنوکرات های معمم و مکلای طرفدار فرامین بانک جهانی است و یا در دست نمایندگان نه چندان روی صحنه تجار وابسته و روحانیت شریک و متحد آنها. آشکار ساختن آنچه در حال تکوین است، تاکید بر لزوم شناخت توطئه ها و تلاش برای یافتن زبان مشترک با متحدان بالقوه خود (در داخل و خارج از کشور) برای ما بسیار مهم تر از برشماری نام افراد در مجموعه ای از توطئه هاست؛ افرادی، نظیر نوربخش (رئیس کل بانک مرکزی و رابط صندوق بین المللی و بانک جهانی در دولت رفسنجانی)، عسگر اولادی (نایب رئیس مجلس اسلامی از جناح

سنگته دیگری از نظرات ریاست جمهوری در ج.ا. از زبان ناطق نوری و در پاسخ به خبرنگار مجله "آیندیندنت"، که او نیز در جمع گروه های خبری زاهای ایران شده بود، مطرح شد. خبرنگار "آیندیندنت"، که پیش از ناطق نوری با هاشمی رفسنجانی مصاحبه کرده بود، از رئیس مجلس اسلامی بعنوان سوال پرسید: رئیس جمهوری با جمع آوری آنتن های ماهواره ای موافق نیست، پس چرا این آنتن ها جمع شد؟

ناطق نوری در پاسخ گفت: "رئیس جمهور تابع قانون است، اما می تواند نظرات شخصی خودش را هم داشته باشد" (رادیو بی.بی.سی. ۵ ژوئن ۹۵)

پاسخ و اصولاً نظرات ناطق نوری آنقدر بار سیاسی ندارد، که سوال و اطلاع خبرنگار "آیندیندنت" از نظرات ریاست جمهوری ایران دارد. نظری، که حتی اگر برای مصرف خارجی باشد و هدف از آن پافشاری برداشتن چهره معتدل و قابل مذاکره برای آمریکا و غرب، ظاهراً در داخل کشور کسی از آن با خبر نیست!

از همین مصباحیه، خبرگزاری ها گزارش دادند، که "هاشمی رفسنجانی" از آمریکا خواسته است، تا یک هیات بلند پایه را برای بررسی اتهاماتی ... که به جمهوری اسلامی درباره تولید سلاح اتمی و شرکت در تروریسم جهانی نسبت می دهند، به ایران اعزام دارد! تا بدین ترتیب مذاکرات مستقیم بین آمریکا و ج.ا. آغاز شود.

در گرماگرم همین جنجال نیز یک هیات بلند پایه ایرانی به آمریکا سفر کرده است، که خبر مستقل آنرا در ادامه می خوانید.

خبرنگاران و گزارشگران شبکه های بزرگ تلویزیونی، مطبوعاتی و خبری آمریکا و اروپا، که راهی ایران شده اند، نه تنها با کلیه مقامات بلند پایه حکومتی-دولتی در جمهوری اسلامی ملاقات، مصاحبه و گفتگو کرده اند، بلکه ضمن تهیه انواع گزارش ها از اوضاع اقتصادی-سیاسی و اجتماعی ایران، با برخی از چهره های اپوزیسیون داخلی حکومت و خارج از حکومت و حتی برخی فرماندهان سپاه پاسداران نیز دیدار کرده اند.

در این مدت (از فرادای اعلام محاصره کامل اقتصادی ایران) انواع گزارش ها و نقل قول ها از رئیس مجلس اسلامی (که بعنوان جانشین رفسنجانی از جناح متحد دولت کنونی (رسالت) از او نام برده اند) رئیس قوه قضائیه، نمایندگان طرفدار دوستی با آمریکا، که در حکومت حضور دارند، مانند "رجایی خراسانی"، "محمد جواد لاریجانی" (چهره پر قدرت اما پشت صحنه در حکومت) و ... مخابره شده است.

در میان این گزارش های متنوع، که از میان همه آنها باید سنت و سوی سیاست آمریکا و اروپا را در برابر ایران و تحولات آن از یکسو و مانورهای حکومت برای معامله، زدویند و سازش کامل با آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی پیدا کرد، در گزارش نشریه پرنفوذ "آیندیندنت" انگلیسی زبان، که مجموعه ایست از مشاهدات، دیدارها و ارزیابی های خبرنگاران اعزامی این نشریه به ایران، نکات پر اهمیتی وجود دارد.

در این گزارش، که از رادیو بی.بی.سی. در تاریخ ۱۵ خرداد پخش شد، از جمله به نکته مهم زیر دقت داده می شود: "... حکومت از مدت ها پیش برخی فرماندهان سپاه پاسداران را در امور تجاری و اقتصادی سهم برده است و حتی یک فرمانده سپاه را به فرماندهی نیروی دریایی برگمارده است، اما با این همه، هنوز مشکل اساسی در جمهوری اسلامی سپاه پاسداران است. بسیاری از فرماندهای سپاه پاسداران اکنون اعتقاد دارند، که حکومت از اهداف انقلاب دور شده است. در سال هایی که آنها در جبهه بوده اند و با ارتش عراق جنگیده اند، در پشت جبهه و در تهران و ... مقامات حکومت سرگرم جنگ قدرت و ثروت آنتوزی بوده اند و ..."

بنظر ما، همه نگرانی جهان سرمایه داری از شکل گیری حوادث آینده ایران و شتاب برای کنترل اوضاع ایران و تثبیت روند اقتصادی ۶ سال گذشته ایران، در همین چند جمله نهفته است. چند جمله ای، که اتفاقاً نشریه "آیندیندنت" در کنار نگرانی از ناراضی روز افزون مردم از برنامه های حکومت به آن اشاره کرده است.

تبلیغ اعمال فشار اقتصادی آمریکا به ایران، از طریق اعلام تحریم کامل اقتصادی کشور، با هر پوشش و تحت هر اتهامی، ریشه در همین نگرانی دارد و هر نوع کاهش فشار آمریکا به ایران، بدون تردید، یا ناشی از گام های عملی است، که حکومت جمهوری اسلامی برای برداشتن این مانع از سر راه برنامه تعدیل اقتصادی و همسوئی کامل با آمریکا برداشته است و یا آگاهی امپریالیسم از برنامه ایست، که حکومت در این جهت دارد!

سیر رویدادها، که در دنباله به آنها اشاره خواهیم کرد، این ارزیابی را بیشتر اثبات می کند و کاهش فشار تبلیغاتی ناشی از اعلام محاصره کامل اقتصادی در هفته های گذشته نیز بر آن مهر تائید می زند.

رسالت) و یا حتی افرادی نظیر "هاشمی رفسنجانی" و "ناطق نوری"، که هنوز متحداً عمل می‌کنند و نزاع نهانی بر سر قدرت ناپلستونی را گذاشته‌اند برای آینده.

در چارچوب اجرای توطئه‌ها و در واقع در ادامه اجرای خواست‌های امریکا، که مجلس اسلامی، حتی باغیبت تحمیلی انگشت شمار نمایندگان، که نمی‌توانند و یا هنوز نیاموخته‌اند دهانشان را چگونه نگهدارند، جلسات محرمانه تشکیل می‌دهد و از آن فراتر، در کمیسیون‌های محرمانه پارلمانی طرح‌هایی را تنظیم و تدوین می‌کنند و به رای گیری در همین جلسات محرمانه می‌گذارند، که در واقع تدارک حوادث آینده را با خود همراه دارد.

## زبان گویای وقایع

وقتی گرایش به چپ در میان توده مردم رو به فروزی است،

وقتی نشریات غیردولتی، با همه توان ممکن برای آگاهی بخشیدن به این جنبش وارد میدان شده‌اند،

وقتی مطبوعات غیر رسمی می‌نویسند، که در صورت آزاد نشدن فعالیت احزاب تا انتخابات آینده مجلس (اسفند ماه سال جاری)، لیست نمایندگان مورد تائید خود را اعلام خواهند کرد،

وقتی میلیون، آزادخواهان، میهن‌دوستان، مذهبیون آرمان‌خواه و ... یک زبان از لزوم بازگشت آزادی‌ها به جامعه دفاع می‌کنند و در راه آن از جان مایه می‌گذارند،

وقتی سرکوب مردم ناراضی و شورشی، با اختلاف نظر در سپاه و بسیج همراه می‌شود و حتی کار به تیراندازی متقابل بین خودشان کشیده می‌شود،

وقتی زمره آزادی احزاب و سپس انتخابات آزاد در جامعه و حتی در میان مردم عادی و کمتر سیاسی، بعنوان یک راه حل برای مقابله با حکومت اوج می‌گیرد،

وقتی مطبوعات غیر دولتی می‌نویسند، که حکومت موجود، علیرغم همه عوام فریبی‌ها، کوچکترین اعتقادی به شرکت مردم در سرنوشت خود و کشورشان ندارد،

وقتی مراسم سالگرد درگذشت "آیت الله خمینی" در حصار ۱۵ کیلومتری قوای انتظامی برگزار می‌شود، تا این مراسم به راهپیمایی و تظاهرات ضد حکومتی تبدیل نشود،

وقتی ده‌ها هزار روستائی ساده دل مذهبی و بسیجی معلول، جانباز جنگ، خانواده شهدای جنگ بی‌خبر از توطئه‌های حکومتی (اما دردمند، گرسنه و آرمان بریاد رفته)، که از اطراف تهران بمناسبت سالگرد درگذشت "آیت الله خمینی" بظرف مقبره او سرازیر شده و درصحن مقبره "آیت الله خمینی" اطراف آن به سر و سینه می‌کوبند و فریاد می‌زنند: "آما ما مدد کن ما" احدت سؤال کن و بسیاری از پاسداران و بسیجی‌های متشکل در نیروهای انتظامی بجای اجرای فرمان حکومتیان برای مقابله با شعار دهندگان، خود زیر گریه می‌زنند و مقامات حکومتی ترک صحنه را به ماندن و شنیدن بقیه شعارها ترجیح می‌دهند.

وقتی ...

حکومت در همسویی با خواست‌های امریکا برای ادامه روند ۶ سال گذشته و مقابله با خطر بازگشت ایران به سال‌های اول انقلاب چه باید بکند؟ اگر ادامه این روند با خطر جدی روبرو نشده بود، لزومی برای فشار اقتصادی-تبلیغاتی امریکا هم نبود. این سیاست و روند، همراه با مجریان آن با خطر روبرو شده‌اند و باین دلیل "حکومت" و "امریکا" عملاً در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند.

## تدارکات "قانونی" ارتجاع

برای مقابله با همین روند است، که مجلس اسلامی و کمیسیون‌های آن در پشت درهای بسته، چند طرح بسیار مهم را تدوین کرده‌اند، که در انتظار فرصت مناسب برای رای گیری نسبت به آن‌ها هستند. این فرصت می‌تواند با انواع حوادث همراه شود، که خود مبحث جداگانه‌ایست و باید با توجه به حوادثی نظیر تیراندازی در مقبره "آیت الله خمینی" به هاشمی رفسنجانی و متهم شدن خبرنگار روزنامه "سلام" به طرح این ترور، انفجار در حرم امام رضا، قتل ۳ کشیش مسیحی، سقوط هواپیمای فرماندهان نیروی هوایی، مرگ ناگهانی احمد خمینی و ... به بررسی آن پرداخت.

حکومت ائتلافی (رسالت-تکنوکرات‌های دولتی) نگران انتخابات اسفند ماه مجلس است. همه میهن‌دوستان (مذهبی یا غیرمذهبی، به مفهوم ایدئولوژیک آن) در صف واحدی ایستاده‌اند، تا جلوی برگزاری یک انتخابات فرمایشی را بگیرند. حکومت نیز با همه توان می‌خواهد این صف واحد را در هم شکسته و مانع حضور نمایندگان مخالف حکومت در مجلس شود.

تلاش‌های ضد ملی اخیر مجلس اسلامی و جلسات محرمانه در جهت همین سیاست است. برخی از این طرح‌ها مربوط به تغییر قانون انتخابات است و برخی دیگر مربوط به تغییر در قانون مطبوعات. در هر دو زمینه، هدف گسترش اختناق کامل در کشور است. هدف فوری، سرکوب مطبوعات غیردولتی و تعطیل نشریات غیروابسته به حکومت تا پیش از انتخابات آینده مجلس است و سپس بیرون آوردن تفسیر قانون انتخابات، با افزودن اختیارات فوق‌العاده شورای نگهبان، که رهبری کامل آنرا جناح رسالت عهده‌دار است و تغییر قانون مطبوعات نیز اختیارات را به وزارت ارشاد اسلامی می‌دهد، که هدایت واقعی آن در دست همین جناح گروه‌بندی اقتصادی-سیاسی است.

(اخبار مربوط به جزئیات این تغییرات را در پی و بصورت جداگانه آورده‌ایم)

فشار ارتجاع برای رسیدن به این هدف بکامک مجلس اسلامی فقط محدود به تلاش عوامل مستقیم و وابسته به راستگرایان حاکم در مجلس نمی‌شود. آنها از تزیبون‌های خود نیز پیشاپیش این خواست‌ها را اعلام می‌کنند و اتفاقاً از دو سنگر مهم این شلیک آشکار را بطرف مطبوعات نیمه آزاد و نیمه دولتی و خواستاران برگزاری انتخابات آزاد، پس از آزادی احزاب، آغاز کرده‌اند.

نشریه "پاسدار اسلام"، که در واقع نقش پاسداری از سرمایه‌داری تجاری و یا بقولی، "اسلام سرمایه‌داری" و "اسلام عربستان سعودی" را عهده‌دار است و ارگان حوزه علمیه قم معرفی می‌شود، با صراحت در آخرین شماره خود، خواهان سرکوب خشن مخالفان حکومت شده است. آنها اجازه تیراندازی به نیروهای انتظامی را برای مقابله با مردم کافی نمی‌دانند، بلکه خواهان تصمیم قاطع‌تر با مخالفان هستند و می‌نویسند که باید با "شورش‌ها" و با "مخالفان" با شدت بیشتری رفتار شود. اینها همان دست‌های خونین پشت صحنه‌اند، که کشتار فاشیستی زندانیان سیاسی را سازمان دادند و اکنون در تدارک سازمان دادن آن بصورت آشکار (شبهه آنچه در کودتای انونوزی بدست ژنرال "سوهارتو" در دهه ۱۹۶۰ انجام شد) در سراسر ایران هستند. در آن کودتا صدها هزار نفر از مردم اندونزی بعنوان بزرگترین کشورمسلمان نشین جهان، با اتهام داشتن افکار "چپ" در طول ۴۸ ساعت بقتل رسیدند. رقم این قتل عام فاشیستی را، که با هدایت و نظارت امریکا انجام شد و در تابوت سانسور خبری جهان سرمایه‌داری مدفون شد، تا یک میلیون نفر تخمین می‌زنند. امپریالیسم برای تکرار چنین عملیاتی، اگر تا پیش از فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم تردید به خود راه می‌داد، اکنون کوچکترین تردیدی بخود راه نمی‌دهد.

این نشریه زیر نظر شورای مدیریت حوزه علمیه قم منتشر می‌شود، که اداره آن در اختیار ناصرکارم شیرازی است. حجت‌الاسلام و یا آیت‌اللهی، که در طول عیادت "آیت الله خمینی" بدلائل متنوع! هرگز جسارت نکرد، علناً وارد میدان شود، اما پیوسته با دارودسته‌های مختلف وابسته به انجمن حجتیه در ارتباط بود و اکنون در ارتباط با جناح رسالت، کنترل حوزه علمیه قم را عهده‌دار شده است. حوزه‌ای که امثال آیت الله منتظری در آن حضور دارند، که روز به روز (حتی بر اساس اظهارات خود مقامات روحانی و غیرروحانی حکومت) و همزمان با کاهش هر چه بیشتر مشروعیت حکومت، نفوذ او در میان مردم بیشتر می‌شود.

زمینه‌های نظامی این یورش چگونه تدارک دیده می‌شود؟ چرا در تهران شایع است، که حکومت تحت پوشش "جلوگیری از بهانه‌های امریکا برای حمله به ایران" خیال تصفیه نهانی ارتش و سپاه پاسداران را دارد؟ زمره در مجلس اسلامی پیرامون قوای نظامی متمرکز، مدرن و فرمانبر، اما محدود از نظر نفقات، ریشه در کجا دارد؟ این شایعات و زمره‌ها برای تدارک آن نقشه‌ای جریان ندارد، که نشریه "پیام انقلاب"، بعنوان ارگان مرکزی سپاه پاسداران درباره آن مطلب می‌نویسد و وظیفه سپاه را در آینده نزدیک مشخص می‌کند؟ همزمان با همان شماره از نشریه "پاسداراسلامی"، که در حوزه علمیه قم منتشر می‌شود و خواهان سرکوب مخالفان است، نشریه "پیام انقلاب"، ارگان روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز لیست بلند بالائی از نشریات مستقل و نیمه مستقل را منتشر ساخته، که گویا در جهت خلاف مصالح اسلام حرکت می‌کنند و باید بسته شوند! در این لیست، نام نشریات وابسته به جریان‌های مذهبی و یا غیر مذهبی در کنار یکدیگر ردیف شده‌اند. "تکاپو" در کنار "ایران فردا" - "جامعه سالم" در کنار "امید" - "دنیای سخن" در کنار "پیام دانشجوی بسیجی" - "کلک" در کنار "کیان" و ... در واقع راستگرایان و ارتجاع غالب در یک جبهه متحد، زمینه‌های یورش به جبهه پراکنده طرفداران آرمانهای اولیه انقلاب ۵۷ (آزادی-استقلال-عدالت اجتماعی)، همه میلیون و دگراندیشان میهن دوست را تدارک می‌بینند. حکومت، با تبلیغ پیرامون خطر محاصره اقتصادی کامل از سوی امریکا، بدین صورت و درعمل علیه مخالفان وابستگی به امریکا بسیج می‌شود. سران حکومت درحرف و شعار علیه وابستگی به امریکا می‌گویند، اما درعمل نقشه شوم بستن دهان و بریدن گلوئی همه طرفداران استقلال ملی را برای جلب حمایت امریکا و ماندن برسر قدرت تدارک می‌بینند. مجموعه این توطئه‌ها را باید وسیعاً رسوا کرد و به مقابله با آن برخاست. شاید عده‌ای از سر خوش خیالی، و از آن بدتر، از سر خام خیالی مدعی شوند، "خانه از پای بست ویران است..." اما حزب قسوده ایران، اهل این خوش

خیالی ها نیست. ما اهل مبارزه در کنار مردم، با مردم و در دل جامعه هستیم. آنکه اینگونه نیست، می تواند مبارز باشد، میهن دوست باشد و ... اما عضو حزب توده ایران نیست!

ما اهل "هر چه خراب تر، بهتر" نیستیم. این شعار را برای انجمن "حجیه" باید باقی گذاشت، که مردم را با وعده ظهور امام زمان و نجات بشر از فقر و بدبختی گمراه می کند و از مبارزه وامی دارد. ما می گوئیم که شعارها، اهداف مرحله ای، کارزار مشترک و زبان مشترک، باید با درک لحظه و شرایط انتخاب شود و از اسارت تخیلات نیز باید آزاد شد. جبهه واحد (تحت هر نام و یا هر کیفیت برخاسته از توازن نیروها) از این طریق ممکن می شود، نه دعوت از دیگران به قبول نظرات و تخیلات خود، که معلوم نیست پایه واقعی آن چیست؟ مبارزه برای "آزادی ها" را هرگز نمی توان موقوف کرد به زمانی، که همین آزادی محدود نیز سرکوب شود. ما نمی توانیم و نباید از این واقعیات آنقدر غافل باشیم، که مانند برخی سازمان های اپوزیسیون دیگر و در اسارت "جبهه مشروطه" و یا "جبهه جمهوریخواه - جبهه ولایت فقیه" و یا "جبهه ضدولایت فقیه" و ... که تماما انحرافی و شکلی (صوری) است، تا مضمونی، فرسنگ ها از جنبش واقعی در داخل کشور فاصله بگیریم.

### مصالحه با عراق

در چنین شرایطی، مذاکره و مصالحه با دولت عراق به دنبال جدیدی در ایران و در میان اپوزیسیون تبدیل شده است. این دنبال جدیدی یک امر یکلی جدا از حوادث و رویدادهای داخل کشور و یا حوادث جهانی در ارتباط با ایران باشد؟ ابتدا ببینیم پیرامون این مصالحه چه گفته می شود:

- ۱- این یک مانور است برای مقابله با خطر امریکا!
- ۲- صلح قریب الوقوع سوریه و اسرائیل، حکومت را ناچار به انتخاب متحد دیگری در منطقه کرده است، که رقیب سوریه نیز محسوب می شود!
- ۳- روسیه خواهان محوری از مسکو، ایران و عراق است، تا در برابر ترکیه صف آراشی کند.

و ...

در برابر اخبار مربوطه با مصالحه و یا مذاکره با دولت عراق - یا هر انگیزه ای، که در پشت آن باشد، موجی از مخالفت، تا حد صدور اعلامیه با امضای فرماندهان ارتش و سپاه پاسداران برخاسته است.

ابتدا، با صراحت باید گفت، که نه جنگ عراق با ایران و سپس ادامه این جنگ بسود ملت ایران بود و نه ادامه مخاصمه و تشنج بسود تمامیت ارضی کشور است.

حزب توده ایران حسن همجواری با همه کشورهای همسایه را، سیاستی درست می داند و در سخت ترین شرایط نیز (پس از فتح خرمشهر) برای پایان بخشیدن به مخاصمه بین ایران و عراق، به همین سیاست تا سرحد پذیرش سخت ترین فشارهای حکومتی علیه خود پای نهد. در واقع از فردای پذیرش آتش بس باید این مصالحه بصورت قطعی انجام می شد.

آنچه را ما بدان اعتراض داریم و در پیوند با نگرانی هایمان از روند حوادث در ایران و تاثیر مستقیم امریکا بر این حوادث، به آن می نگریم، "سیاست پشت درهای بسته" است.

اگر ادامه جنگ با عراق به قیمت صدها میلیارد دلار خسارت برای ایران و ۱ میلیون کشته و مجروح و معلول، بر اثر سیاست پشت درهای بسته بجای گذاشت، امروز و برای مقابله با پیامدی مشابه و یا بهره گیری از موقعیت ها برای تحولات منفی در داخل کشور، باید با این شیوه به مقابله برخاست.

اگر سیاست درهای بسته در طول سال های ادامه جنگ، رگ های انقلاب را خشک کرد، انواع مناسبات و پیوندهای پنهان و گناه جنجال برانگیز را در ارتباط با شبکه قاچاق اسلحه و امپریالیسم جهانی بوجود آورد، این سیاست می تواند وای بسا با همان انگیزه ها و یا انگیزه هایی مشابه، عوارض مشابه را برای ایران به همراه آورد.

بر اساس این نگرانی است، که بر علنی بودن مذاکرات بین دو کشور، روشن بودن انگیزه های واقعی آن و بدین ترتیب شرکت و سهم داشتن مردم در آن پای می فشاریم! بر همین اساس باید خواست:

**مذاکرات: بله!**

**زود بند و معاملات: خیر!**

و این ممکن نیست، مگر در صورت آزادی مطبوعات، حضور احزاب در جامعه و حضور نمایندگان آگاه، مطلع و پایبند به منافع و مصالح ملی در مجلس. نه تنها نفس شتاب برای چنین مصالحه ای (پیش از برگزاری انتخابات آینده مجلس) سوال برانگیز است، بلکه این شتاب همزمان با گرایش به زدو بند عمیق تر با امریکا، خود انواع سوالات راهمراه آورده است. از جمله اینک:

- باید هوشیار بود، مبادا این تلاش در جهت محکم کردن پشت جبهه برای سرکوب و اختناق در داخل کشور باشد!
- مبادا هدف، سرکوب و تصفیه قوای نظامی کشور باشد، و برای این منظور می خواهند از خطر ماجراجویی های جدید و نظامی عراق استوده خاطر شوند!
- مبادا هدف فراخواندن نیروهای پراکنده نظامی از اقصی نقاط کشور... برای تمرکز در شهرهای بزرگ و اعمال فرماندهی متمرکز بر آنها برای برخی حوادث حکومتی باشد.

این نگرانی ها برخاسته از همان ارزیابی است، که از ماهیت و عملکرد حکومت موجود ناشی می شود. اخبار مربوط به انتخابات آینده مجلس اسلامی، تدارک سرکوب مردم، که مدیریت دولتی حوزه علمیه قم خواهان آنست و تدارک ینوروش به مطبوعات، که مجله سپاه پاسداران می نویسد، آنها را تأیید می کند. وقتی کنترل عمومی و دمکراتیک بر حکومت وجود ندارد و امور پشت درهای بسته و بصورت مافیائی انجام می شود، هر کس حق دارد، به انگیزه های حکومت در هر عملی - حداقل - مشکوک باشد! از وضع و موقعیت دولت عراق همگان اطلاع دارند. ارتش امریکا در خلیج فارس با این کشور چنان کرده است، که صدام حسین برای مصالحه با آن و بیرون آمدن از شرایط کنونی، حتی حاضر است با نمایندگان اسرائیل بصورت آشکار مذاکره و مصالحه کند. دولت عراق حتی بر تمامی کشور نیز مسلط نیست.

در ایران نیز حکومتی، که خود برای جلب نظر و حمایت امریکا و باقی ماندن در زیر چتر حمایت صندوق بین المللی پول و بانک جهانی تدارک اختناق سراسری را می بیند، تا مبادا مخالفان این سیاست ها در جامعه به نیروی سیاسی رقیب تبدیل شوند، حکومتی که کشور را زیر بار ۴۰ میلیارد دلار بدهی کمر شکن جهانی برده است، برای باصلاح "مقابله" با امریکا به یاد "مصالحه" با عراق نمی افتد. اگر چنین مصالحه ای در چنین شرایطی (جنجال عظیم محاصره اقتصادی ایران) در خدمت این هدف می بود، آنوقت باید بازتاب های داخلی این تدارک، به گونه ای جز آن بود، که در بالا به آن اشاره کردیم. مسائل و حوادث در ارتباط با یکدیگرند و باید در ارتباط با یکدیگر نیز تحلیل و ارزیابی شوند. حتی اگر (به فرض محال) حکومت ایران انگیزه مقابله با محاصره اقتصادی امریکا را داشته باشد، حکومت عراق می داند، که نباید در این مسیر گام بردارد و بدون تردید گام برنخواهد داشت، مگر در دام توطئه دیگری نظیر توطئه حمله به کشور گویت اسیر باشد و یا اسیر بشود. بنابراین، اگر این مذاکرات نیز بخشی از توطئه امریکا نباشد، باید فارغ از زدو بند پشت پرده انجام شود. در این صورت با مذاکره و مصالحه تحت نظارت ملی همان اندازه می توان موافق بود، که با زدو بند و معامله، با اهداف غیرملی نباید موافق بود.

ارزیابی ما از این رویداد در حال تکوین، با دیگرانی که به ظاهر پرچم خون خواهی ۸ سال جنگ را برافراشته اند و حکومت نیز با استفاده از همین پوشش و غیرمنطقی بودن مخالفت ها، به مذاکرات پنهان با اهداف غیر آشکار ادامه می دهد، تفاوت دارد.

ابتداء آزادی، سپس مذاکره و مصالحه: ابتداء آزادی سپس انتخابات، ابتداء آزادی سپس مناسبات با هر دولت و کشور دیگر. فقط از این طریق است، که توطئه ها را می توان خنثی کرد و گام ها را هماهنگ با منافع ملی کشور برداشت. برای این کارزار حیاتی باید در یک جبهه (تحت هر نام) و برای دفاع از همه طرفداران آرمان های آن از هر طبقه، قشر، گروه، سلیقه، حزب، اندیشه ... یکپارچه وارد عمل شد. هماهنگی اپوزیسیون خارج از کشور با خواست واحد مخالفان دولت در داخل کشور به تقویت این جبهه کمک می کند و شکل گیری آنرا تسهیل می کند.

غفلت از مسیر واقعی رویدادهای ایران، فرصتی است برای توطئه چینی های بیشتر و زدو بندهای وسیع تر در پشت پرده حکومتی، با همان قدرت های جهانی، که برخی ها چهره واقعی آنرا در سال های اخیر از یاد برده اند.

از فاکس و تلفن شماره ۳۲۰۴۵-۲۱۲۳-۴۹ (آلمان) می توانید برای تماس سریع با «راه توده» و ارسال اخبار و گزارش های خود استفاده کنید.  
Postfach 45, 54574 Birresborn, Germany